

تبیین جامعه شناختی تأثیر رضایت از زندگی بر بی تفاوتی اجتماعی در بین شهروندان شهر اهواز

دکتر سید صمد بهشتی^۱ (نویسنده مسئول)، استادیار، گروه جامعه شناسی، دانشگاه یاسوج، ایران
معصومه احمدی فالجی^۲، کارشناس ارشد جامعه شناسی، دانشگاه یاسوج، ایران

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی تبیین جامعه شناختی تأثیر رضایت از زندگی بر بی تفاوتی اجتماعی در بین شهروندان شهر اهواز می پردازد. رضایت از زندگی سازه اجتماعی است که متنوع و چندبعدی بوده، دارای ابعاد مختلفی می باشد. سوال این تحقیق این است که رضایت از زندگی چه اثری می تواند بر پدیده بی تفاوتی اجتماعی که از پدیده های شیوع یافته در چند دهه گذشته ایران است داشته باشد؟ این پژوهش به روش کمی و با استفاده از شیوهی پیمایشی و ابزار پرسشنامه انجام شده و جامعه ی آماری آن را شهروندان بالای ۱۵ سال شهر اهواز تشکیل می دهند که تعداد ۳۸۴ نفر از آنان به عنوان نمونه تحقیق، به شیوه نمونه گیری تصادفی چند مرحله ای مورد مطالعه قرار گرفته اند. داده های تحقیق با نرم افزار SPSS و Smart PLS تحلیل شده اند. یافته های حاصل از تحلیل داده ها نشان داد میانگین رضایت از زندگی در سطح جامعه آماری در حد متوسط است ولی سطح بی تفاوتی اجتماعی بالاتر از سطح متوسط طیف هست. رضایت از زندگی تأثیر استاندارد برابر با ۰,۳۱۳- دارد و رضایت از زندگی می تواند ۹,۷ درصد از تغییرات واریانس بی تفاوتی اجتماعی را تبیین کند. سن اثر مداخله ای بر اثر رضایت از زندگی بر بی تفاوتی اجتماعی دارد ولی شدت این رابطه بر حسب جنسیت افراد تغییری نمی کند. بی تفاوتی اجتماعی، به عنوان پدیده ای که می تواند خود منشأ بسیاری از مسائل و آسیب های اجتماعی باشد، تحت تأثیر رضایت از زندگی قرار دارد. با فراهم سازی شرایط مناسب برای افزایش سطح رضایت از زندگی، می توان میزان بی تفاوتی اعضای جامعه را تا حدود ۱۰ درصد کاهش داد.

کلید واژه: تبیین جامعه شناختی، رضایت از زندگی، بی تفاوتی اجتماعی، شهروندی، شهر اهواز.

مقدمه و بیان مساله

بی تفاوتی اجتماعی نوعی بی تفاوتی و بی اعتنائی افراد نسبت به محیط اطراف خود هست که با تمامی پیامدهای منفی که در مقیاس فردی و اجتماعی دارد به مانند: احساس یأس و ناامیدی، بیهودگی و افسردگی، تضعیف ارتباطات اجتماعی، کاهش همدلی و نوع دوستی، گسست اجتماعی، کاهش انسجام اجتماعی، توقف یا کند شدن روند توسعه در کشور و ... به معنای بی احساسی، بی علاقگی، بی میلی و دلسردی نسبت به مسائل و مشکلات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و حقوق شهروندی، منجر به کناره گیری و عدم مشارکت فعال افراد در امور جامعه می شود. این پدیده که در دنیای مدرن و همچنین در کشور ما ایران قابل مشاهده است به وضعیتی اطلاق می شود که مانع از هرگونه مشارکت و تعامل فعال، آگاهانه، مستمر و پایدار برای تشکیل جامعه دموکراتیک و زندگی اجتماعی می شود.

^۱-Sbeheshty@yu.ac.ir

^۲- ahmadi.masoomeh2@ gmail.com

این وضعیت با طرد هر گونه اقدام فعال در تصمیم گیری سطوح خرد و کلان جامعه رو به بهبود است و از تأثیر فرد بر آینده و سرنوشت جامعه و در نهایت زوال و عقب ماندگی آن می کاهد (نوابخش و میرزاپوری و لولکلا: ۱۳۹۴: ۵۴). بی تفاوتی اجتماعی از جمله عناصر نامطلوب فرهنگ مدرن است که با تأکید بیشتر از حد بر ترجیحات شخصی و علائق فردی در زندگی شهری معاصر تجلی یافته و به عنوان مانعی در ایجاد و برقراری روابط اجتماعی مثبت و افزایش مشارکت شهروندان در امور اجتماعی قرار گرفته است که به تضعیف یا حتی توقف روند توسعه ملی می انجامد (قاضی زاده و کیانپور ۱۳۹۴: ۶۰).

بسیاری از ما ویدئوهای مختلفی از قبیل تضييع حقوق و اموال مردم در اماکن عمومی، دعوا و درگیری، سرقت و ... را دیده ایم که نشان می دهد فردی شاهد این اتفاقات بوده و توجهی به دعوا، جنایت یا وقوع آن نداشته است. این موضوع مصداق بارز بی تفاوتی اجتماعی در بین افراد جامعه است. به هر حال می توان بیان کرد که در مطالعات اجتماعی از این مفهوم (بی تفاوتی اجتماعی) به عنوان یکی از آسیب های مهم در روابط انسانی و اجتماعی افراد یاد می شود و ما ایرانیان نمونه های بارز آن را در سطوح خرد و کلان تجربه کرده ایم؛ بی تفاوتی مسئولان در شناخت اولویت ها و رفع نیازهای مردم، بی تفاوتی مسئولان در پاسخگویی به مردم و بی تفاوتی متقابل مردم نسبت به عملکرد مسئولان، بی تفاوتی مردم برای وساطت کردن، جلوگیری و یا پایان دادن درگیری هایی که گاهی با مرگ یکی از طرفین ختم می شود، یا بی توجهی عده ای به رعایت پروتکل های بهداشتی در زمان شیوع ویروس کرونا، عکس گرفتن و انتشار آن در شبکه های اجتماعی از برخی اتفاقاتی که برای هموطنانمان می افتد بدون هیچ اقدامی برای کمک به آنها. روند رو به افزایش حامل های انرژی نظیر آب و برق و بنزین در حالی که همه ایرانیان در مورد کمبود آن اطلاعات کافی دارند. عدم اعتراض جدی و گسترده مردمی نسبت به بی قانونی قانون گذاران، بی تفاوتی نسبت به موضوع هسته ای و منافع آینده، بی تفاوتی نسبت به حقوق ضعیفان و گروه های حاشیه ای، مشارکت بسیار کم انتخاباتی در انتخابات مجلس ۱۴۰۲ و ریاست جمهوری در سال ۱۴۰۳ و بسیاری نمونه های دیگر.

علاقه به بررسی چیرستی و وضعیت رضایت و رفاه انسان سابقه طولانی دارد و تمام تلاش های فرهنگی و تمدنی بشر ایجاد زمینه ها، توانایی ها و امکانات لازم برای ارتقای کیفیت زندگی بوده است (رفیع پور، ۱۳۸۷: ۳۴). تداوم تعهد فرد به نظام اجتماعی در واقع ریشه در رضایت از خود، جامعه و به طور کلی شرایط زندگی فرد دارد. از طریق تجزیه و تحلیل شرایط اطراف، هر فرد می تواند موقعیت شخصی خود را درک و ارزیابی کند. این واقعیت را نمی توان نادیده گرفت که مولفه های اصلی در ارزیابی مثبت و منفی هر فرد، تحلیل ذهنی و ارزیابی شرایط خود و جامعه نسبت به دیگران است. اگر ارزیابی فرد از موقعیت شخصی یا زندگی اش منجر به نتایج منفی شود، این احساس منفی به همان قسمت محدود نمی شود و بر بسیاری از رفتارها و گرایش های فرد به موقعیت شخصی و شرایط اجتماعی تأثیر می گذارد (علی بابایی و باینگانی، ۱۳۹۰: ۱۸).

رضایت از زندگی^۱ بیانگر نگرش مثبت فرد نسبت به دنیایی است که فرد در آن زندگی می کند یعنی همان احساس رضایت است که زمان زیادی را صرف دستیابی به آن می کند. این فلسفه ای است که انسان آگاهانه برای زندگی خود انتخاب می کند و ناخودآگاه آن را در ذهن خود نگه می دارد (خوارزمی، ۱۳۸۶: ۸). طبق نظر اوزکامپ^۲ (۱۹۹۵)، رضایت از زندگی به تجربه شناختی و قضاوتی اشاره دارد که به عنوان تفاوت درک شده بین میل و پیشرفت

^۱ Life satisfaction

^۲ Ozcamp

در زندگی (یعنی تحقق میل) تعریف می شود. این تعریف طیفی را تشکیل می دهد که شامل ادراک محرومیت تا احساس محرومیت می شود (هزارجریبی و صفری شالی؛ ۱۳۸۸: ۲).

مطالعات تجربی در مورد رضایت از زندگی و سپس در چارچوب وسیع تری از رفاه ذهنی از ابتدای قرن بیستم شکل گرفت. فلوگل^۱ خلق و خو را از طریق ثبت وقایع احساسی مطالعه کرد. محققان پس از جنگ جهانی دوم نیز رضایت و شادی از زندگی را با استفاده از فهرست های ساده بررسی کردند (بیانی و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۶۰).

اخیراً، رضایت از زندگی مورد توجه جامعه شناسان و سایر رشته های مرتبط با توسعه قرار گرفته است. می توان گفت افراد زمانی از زندگی راضی هستند که از نظر زیستی، روانی، اقتصادی و اجتماعی شرایط خاصی داشته باشند. رضایت از زندگی نقش موثری در توسعه یا تغییر رویکردهای برنامه ریزی و توسعه اجتماعی دارد. به عبارت دیگر، تدوین برنامه های توسعه بر اساس داده های بافت اجتماعی، نوعی تغییر رویکرد در برنامه ریزی از بالا به پایین ایجاد می کند و منجر به تقویت نگاه از پایین به بالا در برنامه های توسعه و به دنبال آن سیاست گذاری اجتماعی می شود (محسنی تبریزی و حیدری، ۱۳۹۰: ۱۰۵).

آمارهای مختلف نشان می دهند در زمینه رضایت از زندگی ایرانیان وضعیت چندان مطلوبی ندارند. البته باید به این نکته اشاره کرد که به مانند بسیاری از پدیده های انسانی رضایت از زندگی نیز دایره مفهومی کاملاً مشخصی ندارد و محققین به صور مختلف آن را تعریف و یا بعد بندی می کنند. در ادامه برخی آمارهایی که به نوعی با این مفهوم در ارتباط هستند بررسی می شوند.

در زمینه شادی در مطالعه ای که سایت بررسی جمعیت جهان در سال ۲۰۲۴ بین ۱۴۵ کشور جهان انجام داده است کشورهای فنلاند، سوئد، نروژ، دانمارک و ایسلند برای چندمین سال متوالی با نمراتی بالاتر از ۷٫۵ در راس شادترین کشورهای دنیا قرار گرفته اند. ایران نیز با نمره ۴٫۹۲ رتبه ۱۰۰ را به خود اختصاص داده است. یعنی وضعیتش بهتر از ۴۵ کشور و بدتر از ۹۹ کشور مطالعه شده بوده است (world population review, 2024) سایت داده های جهانی نمره خود اظهاری رضایت از زندگی در ایران را در سال ۲۰۲۳ در دامنه صفر تا ده برابر با ۴٫۹۲ اعلام کرده است (Our world in data, 2024). همچنین سایت گزارش شادی بر اساس داده های پیوسته سال های ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۳ رتبه ایران را در بین ۱۴۳ کشور مطالعه شده برابر با ۱۰۰ نمره ۴٫۹۲۳ اعلام کرده است. در این گزارش نیز همچنان فنلاند و دانمارک و سوئد در بالاترین رتبه ها و لبنان و افغانستان در انتهای جدول دیده می شوند (happiness report, 2024).

در سال های اخیر شهر اهواز به عنوان مرکز استان خوزستان و شهر اهواز در کنار سایر شهرهای بزرگ ایران با رشد فیزیکی و افزایش جمعیت مواجه بوده و به عنوان یکی از شهرهای بزرگ کشور شناخته می شود. بر اساس آخرین سرشماری کشور در سال ۱۳۹۵، جمعیت اهواز حدود یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفر است که هشتمین شهر پرجمعیت ایران (مرکز آمار ایران) است. هرچند در زمینه رضایت از زندگی اهوازی ها اطلاعات مستندی در دسترس نیست اما بر اساس تجربه زیسته و نیز مشاهدات محققان، مردم این شهر نیز به تبع وضعیت عمومی ایران از زندگی خود ناراضی هستند و مصادیق بی تفاوتی اجتماعی که در مثال های بالا گفته شد نیز به وفور در آن دیده می شود. حال سوال اینجاست که آیا بی تفاوتی شهروندان اهوازی ریشه در رضایت آنها از زندگی دارد یا خیر؟ به عبارت دیگر

¹ Felogel

آیا می توان با تغییر رضایت از زندگی اهوازی ها از میزان بی تفاوتی اجتماعی کاسته و آسیب های تبعی آن را به حداقل رساند؟ پاسخ به این سوال انگیزه شکل گیری این تحقیق بوده است.

پیشینه پژوهش

در خصوص نقش رضایت از زندگی در بی تفاوتی اجتماعی، به صورت جداگانه مطالعاتی صورت گرفته است که به عنوان پیشینه ی تجربی آورده می شود:

بهشتی و همکاران (۱۴۰۳) تبیین جامعه شناختی تأثیر احساس نابرابری اجتماعی بر بی تفاوتی اجتماعی (مورد مطالعه: شهروندان شهر اهواز) را مورد بررسی قرار دادند. یافته های پژوهش نشان داد میزان سطح بی تفاوتی اجتماعی و احساس نابرابری اجتماعی اهوازی ها بالاتر از سطح متوسط هست و میزان این دو متغیر بر حسب سن، جنسیت و قومیت تفاوت دارد و احساس نابرابری اجتماعی با اثر استاندارد برابر با ۰,۴ می تواند ۱۶ درصد واریانس بی تفاوتی اجتماعی افراد را تبیین کند.

بهشتی و همکاران (۱۴۰۲) تأثیر فضای مجازی بر بی تفاوتی اجتماعی را به شیوه پیمایشی در بین دانشجویان دانشگاه یاسوج بررسی کردند. یافته ها نشان دادند صرف استفاده و گذران زمان در شبکه های اجتماعی تأثیری بر بی تفاوتی دانشجویان ندارد بلکه نحوه استفاده از این فضا بر میزان بی تفاوتی موثر است و میزان بی تفاوتی بر حسب جنسیت و وضعیت شغلی متفاوت است و دو متغیر مشارکت فعال در استفاده از شبکه های اجتماعی و مصرف رسانه ای توانسته اند ۲۵ درصد از تغییرات بی تفاوتی اجتماعی را تبیین کنند. بر اساس مقادیر ضرایب بتا می توان گفت که متغیر مشارکت در استفاده از شبکه های اجتماعی با بتای ۰/۴۵۰ بیشترین تأثیر را بر بی تفاوتی اجتماعی در سطح نمونه تحقیق دارد.

نقدی و رویین تن (۱۴۰۲) در بررسی بی تفاوتی اجتماعی؛ چرایی و چگونگی و پیامدهای آن (مطالعه موردی:

شهر همدان) پرداخته است. نتایج نشان داد که بی تفاوتی در این پژوهش در شهر همدان برای حدود نیمی از پاسخگویان متوسط و بالا بوده و به این نتیجه رسیده اند که باید بسترهای لازم برای افزایش همدلی و کاهش بی تفاوتی در این شهر فراهم شود.

قلانی و همکاران (۱۴۰۲) در جستجوی تأثیر بی تفاوتی اجتماعی بر میزان مشارکت شهری در ابعاد اجتماعی و ساختمانی در بین شهروندان شهر میمه، پرداختند. نتایج حاکی از آن است که میزان بی تفاوتی در میان اکثر پاسخ دهندگان به طور متوسط ۵۲ درصد است. نتایج تحقیق نشان می دهد که بین متغیر بی تفاوتی اجتماعی و میزان مشارکت اجتماعی رابطه وجود دارد. تفاوت میزان مشارکت اجتماعی و مشارکت ساخت و ساز در بین محلات تایید شده است و بی تفاوتی اجتماعی در بین شهروندان در سطح محلات متفاوت است.

سیدین و همکاران (۱۴۰۱) تحقیقی با عنوان «تحلیل جامعه شناختی تأثیر نابهنجاری بر بی تفاوتی اجتماعی» انجام دادند. نتایج نشان داد که بین متغیرهای بی معنی، بی اعتمادی، ناتوانی و فردگرایی با بی تفاوتی اجتماعی همبستگی مستقیم و معناداری وجود دارد. و هر چه میزان نابهنجاری اجتماعی بیشتر باشد، بی تفاوتی اجتماعی در بین دانش آموزان بیشتر می شود.

تحقیقی که توسط رفیعی بهابادی و حاجیانی (۱۳۹۱) با موضوع «بررسی رضایت از زندگی و عوامل مؤثر بر آن» (با استفاده از نتایج یک پیمایش ملی) انجام شده است. این پژوهش بر اساس بخشی از نتایج پیمایش ملی «فرهنگ سیاسی مردم ایران» نوشته شده است. که به بررسی میزان رضایت از زندگی و عوامل مؤثر بر آن در جامعه ایرانی پرداخته و سعی در تعیین میزان رضایت از زندگی شهروندان ایرانی دارد. تعیین و سپس بررسی رابطه بین متغیرهای

احساس عدالت توزیعی، احساس ناتوانی، اعتماد اجتماعی، امید به آینده جامعه و غیره. پایه اجتماعی-اقتصادی به عنوان متغیر مستقل با متغیر رضایت از زندگی به عنوان متغیر وابسته. نتایج تحقیق حاکی از آن است که میانگین رضایت از زندگی شهروندان ایرانی در سال ۸۴ به طور معنی داری کمتر از میانگین کشور بوده است. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که متغیر امید به آینده اجتماعی، بیشترین توانایی تبیین متغیر رضایت از زندگی را در بین متغیرهای تحقیق دارد. پس از آن به ترتیب متغیرهای اعتماد اجتماعی، احساس ناتوانی، پایگاه اجتماعی-اقتصادی و احساس عدالت توزیعی قرار دارند.

ربانی و بهشتی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان: «تجربه رابطه بین دینداری و رضایت از زندگی» به بررسی تأثیر دینداری بر میزان رضایت از زندگی ایرانیان پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که جنبه های مختلف دینداری تأثیر یکسانی بر میزان رضایت از زندگی ندارد، به گونه ای که اعتقاد به خدا و شرکت در مناسک جمعی دینی رضایت بیشتری از زندگی را برای فرد به همراه می آورد.

در خارج از کشور، مطالعات مختلفی وجود دارد که به بحث نزدیک است: چونگ^۱ (۲۰۲۰)، در مقاله ای با عنوان «تعریف بی تفاوتی» بیان کرد که بی تفاوتی اجتماعی به کاهش ابتکار عمل در مشاوره یا درگیر شدن در فعالیت ها یا تعاملات اجتماعی اشاره دارد. اشاره می کند که بی تفاوتی به طور سنتی با کاهش سطح انگیزه برای عمل و همچنین با نقص در فعال سازی خودکار همراه است.

و یازنیکووا^۲ و همکاران (۲۰۱۹) دلایل بی تفاوتی اجتماعی دانش آموزان را بررسی کردند. آنها به این نتیجه رسیدند که تعدادی از ویژگی های رفتار اجتماعی که به موضوع افراد نسبت داده می شود، بی تفاوتی اجتماعی نشان داده شده است مردم گریزی، انزوا، بی مسئولیتی، انفعال، غوطه وری در مشکلات خود قرار گرفتن در معرض نفوذ شخص دیگری است.

مطالعه ای که توسط کیوودو و آبال^۳ (۲۰۱۱) با عنوان رابطه بین شخصیت و رضایت از زندگی انجام شد. به گفته آنها، تعاملات اجتماعی باعث افزایش احساس تعلق می شود که برای رفاه لازم است.

مالوف^۴ و همکاران (۲۰۱۰) در پژوهش خود با عنوان مدل پنج عاملی شخصیت، رضایت از زندگی، در یک فراتحلیل نشان دادند که چهار مدل از پنج عامل شخصیتی با رضایت از زندگی رابطه معناداری دارند که عبارتند از: عصبی بودن کم، توافق وظیفه شناسی و برونگرایی بالا.

تحقیق گیولاکتی^۵ (۲۰۱۰) با عنوان اثر حمایت اجتماعی بر رضایت از زندگی نشان می دهد که حمایت اجتماعی ادراک شده ۴۳ درصد از رضایت از زندگی را تبیین می کند. او معتقد است گذراندن وقت با خانواده در رضایتمندی افراد تأثیر مستقیم دارد، همچنین حمایت ادراک شده از دوستان به طور غیرمستقیم بر میزان رضایت فرد تأثیر می گذارد، اگر فرد خود را بهتر از دوستانش درک کند، رضایت او افزایش می یابد، افرادی که از حمایت اجتماعی بالایی برخوردارند، احساس رضایت بیشتری از زندگی خود دارند.

کپتین، آری و اسمیت^۶ (۲۰۰۹) در مقاله تحت عنوان "رضایت از زندگی" به بررسی رضایت از زندگی در هلند و ایالات متحده آمریکا پرداخته اند. در این تحقیق از پاسخ دهندگان پرسیده شد که چقدر از درآمد، شغل، سلامت و

¹ Chong

² Viaznikova1

³ Komodo and Abel

⁴ Malouf

⁵ Gulacti

⁶ Kapteyn, Arie & Smith

روابط اجتماعی و خانوادگی خود رضایت دارند؟ نتایج این تحقیق نشان داد که بین پاسخگویان هلندی و آمریکایی در تمامی ابعاد (شغل، روابط اجتماعی و درآمد) و رضایت از زندگی تفاوت معناداری وجود دارد نتیجه ی این پژوهش نشان داد که رضایت از زندگی با چهار بعد رضایت در رضایت رابطه معناداری دارد که به ترتیب عبارتند از روابط اجتماعی و خانوادگی، شغل، سلامت و درآمد که بیشترین رضایت از زندگی را دارند.

بوگی^۱ (۲۰۰۵) در تحقیق خود با عنوان «تنهایی و رضایت از زندگی در بین دانشجویان ترکیه ای» به بررسی رابطه بین تنهایی و رضایت از زندگی در بین ۲۱۴ دانشجوی مقطع کارشناسی دانشگاه فنی آنکارا پرداخت. نتایجی که حاصل شد: جنسیت بر میزان رضایت از زندگی و احساس تنهایی دانش آموزان تأثیر مثبت دارد. بر اساس این گزارش، دانشجویان پسر به طور قابل توجهی احساس تنهایی کمتری می کنند و از زندگی رضایت بیشتری نسبت به دانشجویان دختر دارند. در واقع بین رضایت از زندگی و سطح تنهایی دانشجویان همبستگی منفی وجود دارد. البته به گفته نویسنده، احساس تنهایی در فرهنگ های مختلف ممکن است به دلیل ارزش های فرهنگی منحصر به فرد متفاوت باشد: «تنهایی» برای افراد در فرهنگ های فردگرا رضایت بخش است از سوی دیگر، تنهایی منجر به نارضایتی در فرهنگ مردم خواهد شد.

پیشینه های ذکر شده نشان می دهند تا کنون تحقیقی که مشخصاً اثر رضایت از زندگی را بر بی تفاوتی مردم مورد بررسی قرار داده باشد انجام نشده است و جا دارد که این موضوع مورد بررسی تجربی قرار بگیرد.

مبانی نظری تحقیق

می توان رضایت از زندگی را درجه ای دانست که یک فرد به طور مثبت کیفیت کلی زندگی خود را به عنوان یک کل ارزیابی می کند. به عبارتی، چقدر دوست دارد بر زندگی خود مسلط شود. مترادف های کنونی رضایت از زندگی «شادی» و «بهزیستی روانی» هستند. مزیت استفاده از کلمه رضایت از زندگی به جای کلمه «شادی»، ذهنی بودن این مفهوم است. کلمه شادی به چیزهای عینی نیز اشاره دارد. مزیت کلمه رضایت از زندگی برچسب بهزیستی روانی، اشاره به ارزیابی کلی از زندگی است، نه به احساسات فعلی یا علائم روانی خاص (Sarıs & et al, 1996: 16).

معنا و مفهوم رضایت از زندگی بیانگر نگرش مثبت فرد نسبت به دنیایی است که در آن زندگی می کند یعنی همان احساس رضایت است که مدت کوتاهی را برای دستیابی به آن صرف می کند. این فلسفه ای است که انسان آگاهانه برای زندگی خود انتخاب می کند. انجام شده و ناخودآگاه آن را در ذهن خود دارد» (خوارزمی، ۱۳۸۶: ۸). از نظر پارسونز، ثبات در نظام اجتماعی تا حدی به تعادل رضایت بستگی دارد. پارسونز ثبات نظام اجتماعی را از طریق رابطه بین انتظارات اخلاقی افراد و انطباق دیگران با آنها محاسبه می کند. به طوری که انطباق رفتار مردم با قواعد اخلاقی مطلوب باشد. او فرض می کند که افراد به تدریج یاد می گیرند که از چنین همنوایی رضایت داشته باشند و چون ظرفیت رضایت آنها بسیار تغییر می کند، انواع و ارزش ها را می پذیرند. بنابراین، طبق نظر پارسونز، تغییر رضایت مشکلی ایجاد نمی کند، در واقع کاری که پارسونز به طور ضمنی انجام می دهد ثابت نگه داشتن سطح رضایت است، زیرا او می خواهد بر اهمیت انطباق با قوانین اخلاقی رایج تأکید کند (گولدرن، ۱۳۸۳: ۲۶۴).

^۱ Bugay

از نظر اینگلهارت^۱ (۱۹۹۸)، احساس رضایت از زندگی بازتابی از تعادل بین تمایلات شخصی و موقعیت عینی فرد است. مدلی که برای تایید تحلیل فوق استفاده می شود، مدل تطابق خواسته نامیده می شود. الگویی که بر اساس آن خواسته های شخصی به تدریج با تغییر موقعیت عینی تطبیق داده می شود و این تطابق به گونه ای انجام می شود که بین غم و شادی تعادل ایجاد می کند. در اینجا نظریه سازگاری ذهنی مطرح می شود، این بدان معناست که سطح خواسته های فرد به تدریج با موقعیت او مطابقت دارد و شادی همیشه بالای تپه بعدی است (رنگین کمان؛ ۱۳۸۶: ۳).

طبق نظر ازکمپ (۱۹۹۵)، رضایت از زندگی به تجربه شناختی و قضاوتی اشاره دارد که به عنوان تفاوت درک شده بین میل و پیشرفت در زندگی (یعنی تحقق میل) تعریف می شود، این تعریف طیفی را تشکیل می دهد که شامل درک راحتی تا احساس محرومیت می شود، این مفهوم با مفهوم شادی که بر تجربه عاطفی (هیجان و احساسات) تاکید دارد متفاوت است (هزارجریبی و صفری شالی؛ ۱۳۸۸: ۲). پاولت و دینر رضایت از زندگی را فرایندهای قضاوتی تعریف کردند که در آن افراد کیفیت زندگی خود را بر اساس مجموعه ای از معیارهای منحصر به فرد ارزیابی می کنند؛ این تعریف نشان می دهد که رضایت از زندگی یک هدف دائمی برای فرد نیست، بلکه نسبت به تغییرات زمینه ای حساس است و از دیدگاه خود پاسخ دهندگان مورد ارزیابی و بررسی قرار می گیرد (سوامی و چامرو؛ ۲۰۰۸: ۲۵).

دینر (۱۳۸۹) دریافت که در سطح فردی تحقیق، احترام به خود و رفاه درونی با یکدیگر همبستگی دارند، که همبستگی بین بهزیستی درونی و رضایت از جنبه های مختلف زندگی مانند خود، خانواده و دوستان وجود دارد در کشورهای فردگرا بیشتر از کشورهای جمع گرا. فردگرایی ارتباط نزدیکی با ثروت دارد.

عنصر رضایت یکی از ارکان اساسی سلامت روان، انسجام و همبستگی اجتماعی است که توجه به آن از آن جهت مهم است که با آگاهی از وضعیت روانی جامعه می توان بسیاری از عناصر اجتماعی را مورد بررسی و ارزیابی قرار داد. از سوی دیگر باید توجه داشت که وجود و تداوم نارضایتی در زندگی مردم برای هر نظام اجتماعی مشکل ساز است؛ زیرا تداوم و گسترش آن باعث تضعیف تعهد افراد به نظام ارزشی و اعتماد آنها به سایر اعضای جامعه شده و ممکن است منشأ بسیاری از تحولات اجتماعی باشد (هزار جریبی و صفری شالی، ۱۳۸۸: ۲۲).

در جوامع در حال توسعه، از جمله ایران، امکان رشد اقتصادی مستمر عملاً وجود ندارد و در صورت وجود، بر اساس نتایج تحقیقات (مولر، ۱۹۹۵)، به دلیل شدت نابرابری اجتماعی و اقتصادی، اندکی وجود دارد. درصدی از اعضای جامعه امکان فعالیت مستمر اقتصادی را دارند و در نتیجه نارضایتی بیشتری ممکن است بنابراین قرار گرفتن کشورهای توسعه نیافته در مسیر مدرنیسم، باورهای سرنوشت گرایانه آنها را کاهش می دهد که خود موجب نارضایتی می شود (رفیع پور، ۱۳۸۷: ۷۴).

ایجاد احساس رضایت در شهروندان و مشارکت آنان در اداره شهر مستلزم برنامه ریزی منظم و همه جانبه است که مدیریت شهری را با ارائه تصویری مطلوب از شهرداری و ایجاد تعامل موثر، امید بخشی به شهروندان در عرصه فعالیت های شهری میسر سازد (برک پور و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۰۴).

برخی از نظریه های بی تفاوتی اجتماعی مبنی بر نقش انواع نارضایتی های اجتماعی در جامعه، به عنوان عامل محرک در بروز این پدیده شناخته می شوند. فردینبرگ از خود بیگانگی را مترادف نارضایتی می داند و آن را منبع اصلی فعالیت فردی می داند. به گفته وی، چنین احساس نارضایتی در فرد باعث می شود که او به نوعی جدایی و جدایی از مسائل پیرامونی گرایش پیدا کند و خود را از تمام آنچه قبلاً با آن در ارتباط بوده، جدا و منفی بداند.

^۱ Inglehart

در واقع در چنین شرایطی، فرد به خود به عنوان سوژه ای بیرونی نگاه می کند و نوعی تضاد، تعارض، تعارض و عدم ارتباط و شناخت از درون، بین خود و این موضوع را تصور می کند. فردی که احساس نارضایتی دارد خود را ناتوان می بیند که در موقعیت و شرایط محیطی خود تغییری ایجاد کند. از این رو، نارضایتی منجر به احساس ناتوانی و ناامیدی می شود (فردینبرگ، ۱۹۸۳: ۱۱۶-۶۹، به نقل از محسنی تبریزی، ۱۳۸۱: ۱۴۷).

رفیع پور بیان می کند: رضایت از زندگی و کار و در مجموع رضایت از جامعه محله می تواند منجر به تداوم هرگونه اقدام مثبت اجتماعی از جمله مشارکت شهروندان در امور شهری شود. این نمونه از نظریه انتشار گرونیبرگ (رفیع پور، ۱۳۷۲: ۱۷) و همچنین تحقیق کاظمی کرد آسپاسی (۱۳۸۱)، حسین زاده (۱۳۸۵) است.

کوثری (۱۳۷۴) نشان داده که رضایت از زندگی در بیشتر شدن مشارکت، تأثیر بسزایی داشته است (به نقل از ربانی و همکاران، ۱۳۸۹: ۹۱).

برخی از محققان غربی نشان داده اند که گرایش به بی تفاوتی سیاسی در جوامع اروپایی و آمریکای شمالی، که از دهه ۱۹۶۰ آغاز شد، بازتابی از نارضایتی مردم از عدم موفقیت سیاسی در بررسی و حل مشکلات جدید بود (لیپس و اشنايدر ۱، ۱۹۸۳؛ به نقل از مسعودنیا، ۱۳۸۰: ۱۶۱). لیپست در کتاب «انسان سیاسی» می نویسد: کسانی که باور دارند دموکراسی تنها از راه مشارکت گسترده شهروندان تحقق می یابد، بر این نکته تأکید دارند که رضایت از زندگی در یک کشور دموکراتیک، زمانی معنا دارد که بخش بزرگی از جمعیت آن در امور سیاسی فعال باشند. کشوری که در آن بخش عمده ای از مردم بی تفاوت، بی علاقه یا ناآگاه باشند، نمی تواند از رضایت عمومی برخوردار باشد و در نتیجه، اجماع سیاسی در آن ضعیف خواهد بود. ثانیاً، همانطور که «کی» کارشناس علوم سیاسی خاطرنشان کرد، وقتی میزان رأی پایین است، همیشه به این معناست که گروه های آسیب دیده اجتماعی و اقتصادی کمتر در دولت حضور دارند. عدم مشارکت نیز حاکی از فقدان شهروندی مؤثر و عدم تعهد به کل نظام است (لیپست، ۱۹۶۳، به نقل از صداقتی فرد، ۱۳۹۲: ۸۰).

پدیده بی تفاوتی اجتماعی پدیده ای بسیار پیچیده است که نیاز به تبیین در ابعاد مختلف دارد. به ویژه با بررسی نظریه های مربوط به بی تفاوتی اجتماعی، مشخص می شود که بین عوامل مختلف دخیل، رابطه مؤثر و چندوجهی وجود دارد که هر یک با توجه به مختصات این عوامل یا شرایط مختلف می توانند بر بی تفاوتی اجتماعی تأثیر بگذارند. به طور کلی، در مورد چگونگی بروز بی تفاوتی اجتماعی در جامعه و پیروی افراد از آن، اختلاف نظرهای زیادی وجود دارد، بنابراین یک نظریه یا رویکرد نمی تواند هر آنچه را که لازم است توضیح دهد.

مفهوم بی تفاوتی اجتماعی ترجمه فارسی اصطلاح انگلیسی *Social apathy* است و این اصطلاح در زبان فارسی به طرق مختلف ترجمه شده است، گاه به «بی بند و باری و بی احساسی اجتماعی»، «بی حالی یا بی احساسی» ترجمه شده است (عنبری و غلامیان، ۱۳۹۵، ۱۳۵). تعریف متفاوتی از این مفهوم توسط دانشمندان مختلف ارائه شده است، برای مثال هارولد کاپلان و بنیامین سادوک بی تفاوتی را رفتاری می دانند که در حالت فقدان یا بی توجهی به احساس درونی و عواطف انسانی، بی علاقه و سطح پایین عاطفی است. درگیری با مشکل و نیاز به همراهی دیگران در محیط اطراف ظاهر می شود و می تواند شباهت هایی با علائم افسردگی یا روان پریشی داشته باشد (مسعودنیا، ۱۳۸۰، ۱۵۳). جامعه شناسان بی تفاوتی اجتماعی را به طرق مختلف مورد مطالعه قرار داده اند.

وبر^۱ معتقد است که قفس آهنین یکی از دستاوردهای نظام سرمایه داری است که باعث بی تفاوتی اجتماعی مردم می شود. قفس که به گفته وبر سیستم بوروکراتیک است باعث می شود مردم تحت سلطه این سیستم قرار گیرند که بدون اراده بر آنها مسلط شده است. تحت حاکمیت این قفس آهنین، زندگی انسان توسط نیروی گریزناپذیر سرنوشت

^۱ Weber

تعیین و تعریف می شود. سرنوشتی که ما را از حبس ما در قفس آهنین خبر می دهد و با لحنی جدی یادآور سخنان نیچه می گوید: هیچکس نمی داند در آینده این قفس آهنین چه کسی خواهد بود، آیا در پایان این رشد خارق العاده پیامبران جدیدی خواهند بود و توسعه؟ ظهور خواهد کرد، آیا این ایده ها و آرمان های قدیمی تولد تازه ای خواهند یافت یا نه، و اگر نه، آیا تحجر ماشینی آراسته به نوعی منیت رخ خواهد داد، در مورد آخرین مرحله از این رشد فرهنگی، در واقع می توان گفت: بی روح. حرفه ای ها و لذت گرایان فاقد احساسات هستند، این پوچی تصور می کند که آنها به سطحی از تمدن رسیده اند که قبلاً هیچ کس به آن نرسیده است (استونز، ۱۳۹۳: ۶۲).

آبرل^۱ و همکارانش در مورد شرایط اساسی صحبت می کنند که اگر وجود نداشته باشد، جامعه ای وجود نخواهد داشت. این عوامل مربوط به جمعیت بی تفاوت جامعه است که در واقع تهدیدی برای هر جامعه ای است. اگرچه میزان بی تفاوتی موضوعیت دارد، زیرا برخی از بخش های جامعه همواره حداقل بی تفاوتی نشان می دهند، اما در برخی موارد ممکن است جمعیت جامعه آن قدر بی تفاوت شوند که اجزای مختلف جامعه از کار بیفتند و در نهایت جامعه از هم بپاشد (ریترز، ۱۳۸۹: ۱۲۷).

گئورگ زیمل^۲ معتقد است که شهرهای بزرگ عرصه اصیل فرهنگ مدرن هستند و از نظر زیمل، مردم شهر بزرگ به معنای معنوی و پالایش شده در برابر تحقیرها و تعصباتی که در یک فرد شهری دیده می شود آزاد است. زیرا بی تفاوتی و احتیاط متقابل و شرایط زندگی معنوی محافل بزرگ هیچ گاه شدیدتر از آنچه در شهرهای بزرگ به دلیل برخورد این عوامل بی تفاوتی و احتیاط متقابل و غیره اتفاق می افتد، توسط فرد احساس نشده است. البته تنها مشاهده چنین آزادی است که هیچ کس تحت شرایط خاصی در هیچ مکان دیگری مانند کلان شهر احساس تنهایی و گمراهی نمی کند زیرا در اینجا نیز مانند هر جای دیگری نیازی به انعکاس آزادی فرد در آن نیست (زیمل ۱۳۵۸: ۱۰۵-۱۰۶). زیمل می گوید یکی از مهم ترین ویژگی های افرادی که در شهرهای بزرگ زندگی می کنند، آزادی «شخصی» و «آزادی حرکت» آنهاست. زیمل مدل تحلیلی را در قالب (فرهنگ ذهنی) و (فرهنگ عینی) نام می برد که غلبه فرهنگ عینی بر فرهنگ ذهنی باعث بیگانگی در آن جامعه می شود، در جوامع غربی رفتار اجتماعی در قالب مشارکت مدنی فعال (زندگی) همراه با توسعه جامعه تمدن مدرن در حال شکل گیری است (نوابخش و میرزاپوری ولوکلا، ۱۳۹۴: ۵۸).

گافمن^۳ از مفهومی به نام کنش دوسویه بدون تمرکز یاد می کند که بسیار نزدیک به مفهوم بی تفاوتی اجتماعی است. اقدامات ساده ای مانند ایستادن در آسانسور، پرسه زدن در خیابان، ایستادن در صف در اتاق انتظار یا روی نیمکت پارک، نشستن، رفت و آمد در توالی عمومی و بسیاری از فعالیت های روزانه دیگر، حوزه مهمی از سازمان اجتماعی را نشان می دهد. به طور کلی، یک گردهمایی غیر کانونی مانند یک اقدام دو طرفه کانونی است که شامل قوانین هنجاری در مورد فاصله گذاری حرکت، تعیین موقعیت گوش دادن، صحبت کردن و ارائه خود است. در برخوردهای غیر کانونی، زمانی که افرادی که در محیط عمومی هستند هنوز درگیر اجرا هستند، هیچ نزدیکی و تمرکز شدید توجه یا رابطه حضوری اجباری وجود ندارد، اما به این دلیل که مخاطب درگیر رو در رو نیست. یا مکالمه طولانی مدت، عملکرد می تواند ساکت تر و کمتر تحریک کننده باشد. مردم می توانند با نادیده گرفتن و تحمل شکاف های کوچک در هنجارها، خود و اعمال تشریفاتی خود بدون تنش و رنجش دور هم جمع شوند و حرکت کنند. به این ترتیب افراد اقدامی دوطرفه بدون تمرکز و بدون حادثه انجام می دهند و افراد را قادر می سازند تا با نگاه

¹ April

² Georg Simmel

³ Goffman

های زیرکانه، تکان دادن سر، تماس چشمی لحظه ای، تغییر جهت و سایر اقدامات زندگی همه، یک واقعیت معنادار داشته باشند (ترنر، ۱۳۹۴: ۵۱۷-۵۱۴).

همانطور که مشاهده شد، نظریه جامعه شناختی خاصی در رابطه با تأثیر رضایت از زندگی بر بی تفاوتی اجتماعی وجود ندارد، اما بر اساس نظر اینگلهارت، فردینبرگ و کمپ و استنباط منطقی از هر یک از نظریه های تبیین کننده رضایت از زندگی و بی تفاوتی از مفاهیم نظریه پردازانی چون لیپست، وبر، آبرل، زیمل، می توان این فرضیه را مطرح کرد که رضایت از زندگی می تواند بر بی تفاوتی اجتماعی تأثیر بگذارد. به طور کلی در این تحقیق بر اساس استنباط های حاصل از زمینه های تجربی و نظری، پژوهشگران به دنبال تبیین جامعه شناختی تأثیر رضایت از زندگی بر بی تفاوتی اجتماعی شهروندان اهوازی هستند، اما از آنجایی که نظریه مدون و مشخصی برای این موضوع وجود ندارد محققین سعی کرده اند موضوع حاضر را به صورت تجربی با تکنیک های آماری داده محور بر اساس داده های تجربی بررسی کنند.

روش شناسی پژوهش

با توجه به هدف پژوهش، روش تحقیق این مقاله از نوع کمی و شیوه پیمایشی است. این تحقیق از لحاظ زمانی مقطعی و از نظر عمومیت تحقیق گسترده و نیز از نظر هدف کاربردی می باشد. جامعه آماری این پژوهش شهروندان بالای ۱۵ سال شهر اهواز می باشند که تعداد آنها مطابق آخرین سرشماری کشور در سال ۱۳۹۵ حدود ۱,۲۰۰,۰۰۰ نفر می باشد. نمونه تحقیق نیز با میزان خطای ۵ درصد و با استفاده از جدول نمونه گیری لین، ۳۸۴ نفر برآورد شده است.

شیوه نمونه گیری این تحقیق از نوع تصادفی چند مرحله ای بوده است و روش اجرای آن نیز به این صورت است که در ابتدا از بین مناطق مختلف شهر اهواز بعضی از محله های شهر اهواز از جمله: کوی رمضان، کوی مهدیس، گلستان، شهرک دانشگاه، محله نادری (مرکز شهر) به صورت تصادفی برگزیده شدند و پس از آن از هر محله دو خیابان اصلی به صورت تصادفی انتخاب شدند سپس با مراجعه حضوری به درب برخی منازل انتخاب شده با اطمینان از اینکه شهروند ساکن شهر اهواز هستند از اولین فرد بالای ۱۵ سال خانوار که ملاقات شد خواسته شد تا پرسشنامه را تکمیل کند.

داده های تحقیق نیز با استفاده از ابزار پرسشنامه محقق ساخته جمع آوری شدند. اعتبار پرسشنامه از طریق اعتبار صوری و اعتبار سازه و پایایی آن نیز از طریق محاسبه آلفای کرونباخ برآورد شده است. داده های گردآوری شده در بخش توصیفی با نرم افزار spss تحلیل شدند و در بخش استنباطی برای بالا بردن سطح دقت در تحلیل داده ها از تکنیک مدلسازی معادلات ساختاری با استفاده از حداقل مربعات جزئی، از نرم افزار Smart PLS استفاده شده است. دلیل دیگر به کار گیری نرم افزار اخیر این هست که چنانکه در سطور قبل هم توضیح داده شد نظریه مدون و مشخصی برای تبیین تاثیر احساس رضایت از زندگی بر بی تفاوتی اجتماعی وجود ندارد از اینرو محققین ناچارند به جای استفاده از تحلیل های نظریه بنیاد از تحلیل های داده بنیاد استفاده کنند و از آن جا که تکنیک مدل سازی معادلات ساختاری واریانس محور به خوبی چنین کاربردی دارد، این نرم افزار مورد استفاده قرار گرفته است.

جدول ۱ گویه های اندازه گیری شده به همراه شاخص های اعتماد و پایداری آنها

مقدار آلفا	بارعاملی	* لطفا نظراتان را نسبت به هریک از جملات زیر علامت بزنید(رضایت از زندگی)
۰,۹۰۷	۰,۷۶۶	میزان رضایت از وضعیت درآمد
	۰,۸۴۹	میزان رضایت از وضعیت مسکن
	۰,۸۵۳	میزان رضایت از وضعیت امکانات آموزشی
	۰,۸۱۸	میزان رضایت از وضعیت امکانات بهداشتی
	۰,۸۰۰	میزان رضایت از وضعیت و فرصت های شغلی
	۰,۸۶۴	میزان رضایت از وضعیت امکانات تفریحی - فراغتی
۰,۸۳۶	۰,۶۷۶	آینده سیاسی کشورم برام اهمیتی ندارد.
	۰,۷۸۷	افزایش چند برابری قیمت خانه و خودرو برایم مهم نیست.
	۰,۸۰۸	اختلاس های که در کشور رخ می دهد برایم اهمیتی ندارد.
	۰,۷۹۹	پوشش ظاهری هر شخصی به خودش مربوط است و ربطی به من و شخص و یا نهاد دیگری ندارد.
	۰,۴۳۰	اگر کسی ازم درخواست کمک مادی کند در حد توانم به او کمک می کنم.
	۰,۸۱۲	عکس و فیلم گرفتن از اتفاقات برایم جذابیت بیشتری دارد تا کمک کردن.
	۰,۶۸۸	عملا اعتراض کردن به وضعیت تورمی جامعه بیهوده است .
	۰,۴۲۱	در جلوی چشمم سرقتی صورت گیرد سعی می کنم پلیس را با خبر کنم

یافته های تحقیق

در ابتدا با استفاده از آمار توصیفی نمای کلی نمونه تحقیق و نیز متغیرهای تحقیق مشخص شده اند. چنانکه ذکر شد در این تحقیق ۳۸۴ نمونه مورد بررسی قرار گرفته اند که ۵۶ درصد آنها را مردان و ۴۶ درصد باقیمانده را زنان تشکیل داده اند. پاسخگویان مذکور در بازه سنی ۱۵ تا ۸۰ سال قرار داشته و بیشترین فراوانی در گروه سنی ۲۶-۳۶ سال با فراوانی نسبی ۳۱ درصد قرار داشته است. ۳۳ درصد پاسخگویان مجرد و ۵۸ درصد متأهل و ۵ درصد مطلقه بوده اند و درحالیکه ۱۰ درصد پاسخگویان تحصیلات ابتدایی و بی سواد داشته اند بیشترین درصد تحصیلات در دوره راهنمایی و دبیرستان دیده شده است با ۳۸ درصد و تنها ۴ درصد پاسخگویان تحصیلات کارشناسی ارشد و بالاتر داشته اند. به لحاظ وابستگی قومی در حالیکه حدودا نیمی از اعضای نمونه عرب هستند، ۱۵ درصد پاسخگویان فارس، ۲۷ درصد لر و ۲۱ درصد پاسخگویان ترک می باشند. جدول زیر یافته های فوق را نشان می دهد:

جدول ۱ توزیع فراوانی برخی متغیرهای زمینه ای نمونه تحقیق

متغیر	مقادیر	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی
جنسیت	مرد	213	56,1
	زن	167	43,9
وضع تاهل	مجرد	127	33,4

متاهل	222	58.4
مطلقه	20	5.3
سایر	11	2.9
وضعیت شغلی	شاغل	174
	غیرشاغل	206
قومیت	فارس	59
	لر	105
	عرب	179
	ترک	21
	سایر	16
		4.2

با توجه به سطح سنجش فاصله‌ای متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق جدول زیر آماره‌های توصیفی متغیرهای مذکور را نشان می‌دهد:

جدول ۲ آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

نام متغیر	میانگین	انحراف معیار	مقدار حداقل	مقدار حداکثر	میانگین طیف	سطح معناداری
رضایت از زندگی	۱۸,۲۶	۳,۹۵	۶	۳۰	۱۸	۰,۲۰۰
بی‌تفاوتی اجتماعی	۲۸,۵۱	۶,۱۴	۱۳	۴۲	۲۷	۰,۰۰۰

چنانکه از داده‌های این جدول مشخص می‌شود در سطح نمونه و جامعه آماری رضایت از زندگی در حد متوسط طیف هست ولی میانگین بی‌تفاوتی اجتماعی بیشتر از میانگین هست. مطابق با نتایج حاصل از آزمون تی تک نمونه‌ای این نتیجه با اطمینان ۹۹ درصد تایید می‌شود.

جدول ۳ مقایسه میانگین متغیرهای تحقیق بر حسب جنسیت

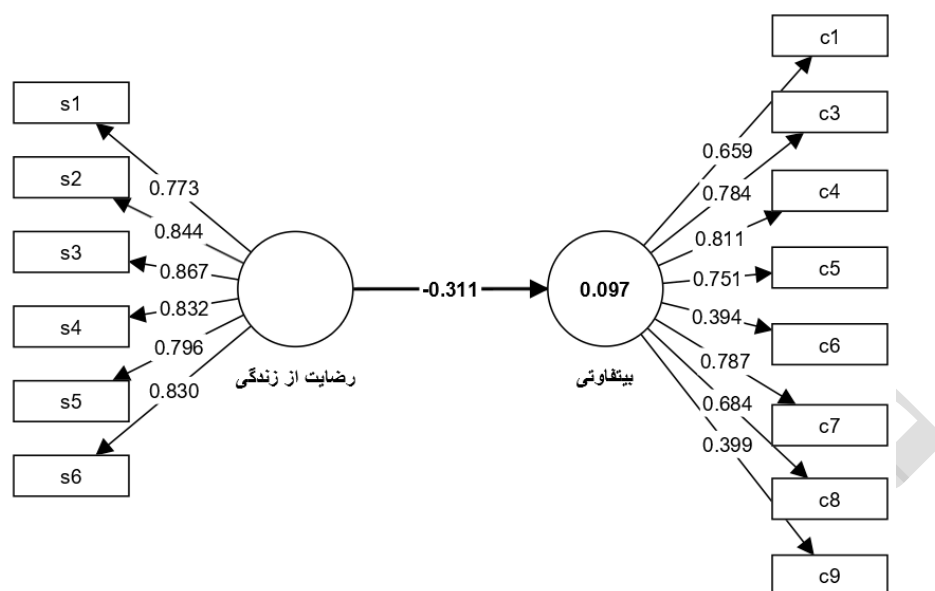
متغیر	جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار	سطح معنی داری
رضایت از زندگی	مرد	۱۶۷	۱۹,۰۲	۳,۷۴	۰,۰۰۰
	زن	۲۱۳	۱۷,۲۹	۳,۹۵	
بی‌تفاوتی اجتماعی	مرد	۱۶۷	۱۹,۰۲	۵,۶۰	۰,۰۰۰
	زن	۲۱۲	۲۷,۶۸	۶,۴۲	

داده‌های جدول فوق نشان می‌دهند هم در سطح نمونه و هم جامعه آماری سطح رضایت از زندگی زنان به طور معناداری از مردان پایینتر است و جالب اینکه در عین حال میزان بی‌تفاوتی اجتماعی در بین آنها بسیار بالاتر از مردان هست.

برای آزمون فرضیه‌های تحقیق چنانکه قبلاً توضیح داده شد از تکنیک مدل سازی معادلات ساختاری^۱ واریانس محور با استفاده از حداقل مربعات جزئی استفاده شده است. برای اندازه‌گیری عامل‌های پنهان رضایت از زندگی و

^۱ SEM

بی تفاوتی اجتماعی از مدل اندازه گیری انعکاسی مرتبه اول استفاده شده است. با اجرای مدل تحقیق نتیجه زیر حاصل شده است.



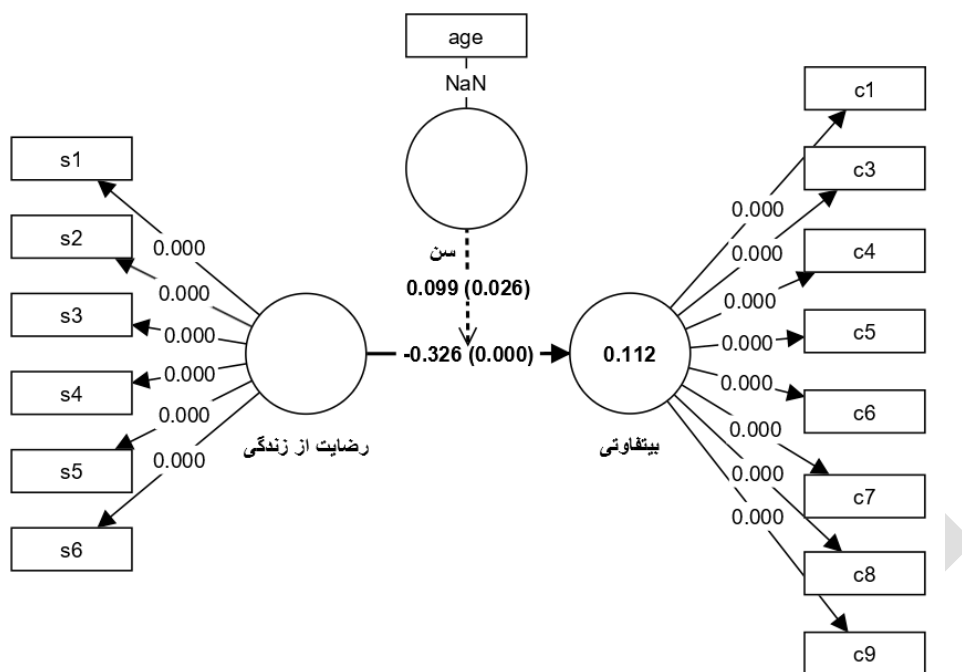
شکل ۱ مدل معادله ساختاری متغیرهای تحقیق

شاخص SRMR مدل به میزان ۰,۰۱۱ نشان می دهد مدل تحقیق از نکویی برازش قابل قبولی برخوردار است. بارهای عاملی موجود در مدل نشان می دهند که معرف های استفاده شده برای اندازه گیری عامل های پنهان کاملاً مناسب هستند. مقدار آلفای کرونباخ و آلفای کرونباخ ترکیبی برای تمامی معرف ها نیز بالای ۰,۷ گزارش شده است و نشان می دهد معرف ها از میزان پایایی قابل قبولی بهره مند هستند.

مقدار AVE گزارش شده برای رضایت از زندگی به میزان ۰,۶۳۲ و بی تفاوتی اجتماعی به میزان ۰,۵۲۳ نشان می دهد عمل های مورد نظر دارای اعتبار هم گرای مناسب هستند. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده نشان می دهد رضایت از زندگی ۹,۷ درصد واریانس بی تفاوتی اجتماعی را تبیین کنند.

طبق داده های این مدل ضریب تاثیر استاندارد رضایت از زندگی بر بی تفاوتی اجتماعی برابر هست با ۰,۳۱۱- به این معنی که با یک واحد تغییر در انحراف استاندارد احساس رضایت از زندگی، ۰,۳۱۱- تغییر در انحراف استاندارد بی تفاوتی اجتماعی ایجاد می شود. جهت اثر گذاری منفی این ضریب نشان می دهد که با افزایش سطح احساس رضایت از زندگی، احساس بی تفاوتی اجتماعی کاهش می یابد. نتیجه خودگردان سازی داده ها با ۵۰۰۰ نمونه گیری با جایگزینی نشان می دهد این ضریب با فاصله اطمینان ۹۵ درصد در سطح جامعه آماری بین حداقل ۰,۴۰۲- تا حداکثر ۰,۲۳۶- می باشد.

در خصوص تاثیر متغیر سن بر این رابطه به عنوان متغیر مداخله گر نتیجه زیر حاصل شد:



شکل ۲ مدل اثر تعدیلگر سن بر رابطه احساس رضایت از زندگی بر بی تفاوتی اجتماعی

ضریب استاندارد مسیر (۰,۰۹۹) و نیز سطح معنی داری آن (۰,۰۲۶) حاصل از خودگردان سازی داده ها، نمایش داده شده در مدل به وضوح نشان می دهند که سن در این رابطه به عنوان متغیر تعدیلگر اثر دارد و می تواند این رابطه را تحت تاثیر قرار دهد. به نحوی که با افزایش سن این رابطه شدیدتر می شود. همچنین با ورود متغیر سن به عنوان متغیر مداخله گر قدرت تبیین کنندگی مدل نیز افزایش پیدا کرده و به ۰,۱۱۲ می رسد. در خصوص قدرت تحلیلی مدل بر حسب جنسیت می توان گفت بین مردان و زنان تفاوت معنی داری وجود ندارد و زن بودن هرچند در بین نمونه آماری می تواند این رابطه را قویتر کند، اما این تفاوت تنها در سطح نمونه آماری است و در سطح جامعه آماری این تفاوت وجود ندارد. ضریب تاثیر مقایسه شده بر حسب جنسیت در سطح نمونه و جامعه آماری را می توان در جدول زیر مشاهده کرد:

جدول ۴ آزمون تاثیر تعدیل گر جنسیت بر رابطه احساس رضایت از زندگی بر بی تفاوتی اجتماعی

گروه جنسیتی	مقدار ضریب در بین نمونه	سطح معنی داری	مقدار R^2	فاصله اطمینان ۹۵ درصد ضریب حداکثر حداقل
کل نمونه	-۰,۳۱۱	۰,۰۰۰	۰,۰۹۷	-۰,۴۰۲ -۰,۲۳۶
مردان	-۰,۲۷۰	۰,۰۰۰	۰,۰۷۳	-۰,۴۱۶ -۰,۲۳۳
زنان	-۰,۳۳۲	۰,۰۰۰	۰,۱۱۰	-۰,۴۷۹ -۰,۲۴۳

ذکر این نکته ضروری است که با وارد کردن سن و جنس به عنوان متغیر مداخله گر قدرت تبیینی مدل به ۱۲,۴ درصد می رسد.

در خصوص رابطه بین قومیت با احساس نابرابری و بی تفاوتی اجتماعی نتیجه آزمون means نشان داد بین قومیت و متغیرهای مذکور با اطمینان ۹۵ درصد رابطه ای هرچند ضعیف وجود دارد. همچنین مجذور ضریب اتا نشان می دهد قومیت به تنهایی می تواند ۲,۸ درصد از واریانس احساس نابرابری اجتماعی و ۳,۴ درصد از واریانس متغیر بی تفاوتی اجتماعی را تبیین کند. جدول زیر یافته های فوق را نشان می دهد:

جدول ۴ همبستگی قومیت با احساس نابرابری و بی تفاوتی اجتماعی

همبستگی متغیرها	ضریب اتا	مجذور اتا	سطح معنی داری
قومیت* رضایت از زندگی	۰,۰۲۴	۰,۰۰۱	۰,۹۹۵
قومیت* بی تفاوتی	۰,۱۴۷	۰,۰۲۲	۰,۰۸۳

نتیجه گیری

مفهوم محوری این پژوهش که به واسطه مشاهده برخی رفتارها در جامعه، در ذهن بسیاری از ما تجربه شده، «بی تفاوتی اجتماعی» است. بی تفاوتی اجتماعی نوعی رفتار است که در جوامع معاصر به عنوان یک آسیب اجتماعی جدی، مورد توجه جامعه‌شناسان قرار گرفته و از آن به عنوان یکی از مهم‌ترین آسیب‌های روابط انسانی یاد می‌شود. به طور کلی، به اعتقاد برخی کارشناسان، بروز پدیده‌ای مانند بی تفاوتی در ایران و برخی کشورهای در حال توسعه، از پیامدهای وضعیت «آنومیک» یا نابسامانی اجتماعی است.

رضایت از زندگی نیز متغیر محوری دیگری است که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است و به طور کلی هدف این تحقیق بررسی تاثیر رضایت از زندگی بر وضعیت بی تفاوتی اجتماعی بوده است. طبق تحقیقات مختلف تداوم نارضایتی از زندگی مردم، چالشی جدی برای هر نظام اجتماعی به شمار می‌آید؛ چراکه گسترش این نارضایتی می‌تواند به تضعیف تعهد افراد نسبت به نظام ارزشی جامعه و کاهش اعتماد آنان به دیگر اعضای جامعه منجر شود، و در نهایت زمینه‌ساز تحولات اجتماعی گسترده گردد. نباید از نظر دور داشت که ارزیابی مثبت یا منفی افراد از وضعیت خود، عمدتاً بر پایه تحلیل و مقایسه ذهنی آنان با شرایط دیگران شکل می‌گیرد. این نوع ارزیابی در صورت منفی بودن، پیامدهایی ناخوشایند به همراه دارد. چنین احساسات منفی نه تنها به همان حوزه محدود نمی‌مانند، بلکه بسیاری از رفتارها، نگرش‌ها و واکنش‌های فرد را نسبت به موقعیت شخصی و شرایط اجتماعی دچار دگرگونی می‌سازند.

با این وصف این پژوهش با هدف تبیین جامعه‌شناختی تاثیر رضایت از زندگی بر بی تفاوتی اجتماعی شهروندان شهر اهواز انجام شده است و چون در نظریه های جامعه شناختی نظریه ای که مستقیماً به این موضوع پردازد یافت نشد بر آن شدیم تا با بررسی تجربی موضوع و بر حسب داده های به دست آمده موضوع را مورد مطالعه قرار دهیم. نتیجه این مطالعه را می توان چنین بیان کرد:

یافته های حاصل از تحلیل داده ها نشان داد میانگین رضایت از زندگی در سطح جامعه آماری در حد متوسط هست ولی سطح بی تفاوتی اجتماعی بالاتر از سطح متوسط طیف هست.

در مجموع، میانگین رضایت از زندگی در سطح جامعه آماری در حد متوسط است. این یافته ها با تحقیقات انجام شده توسط فرجی و خادیمیان (۱۳۹۲) مطابقت دارد، اما با یافته های به دست آمده توسط رفیعی بهابادی و حاجیانی (۱۳۹۱) همخوانی ندارد. دلیل این امر را می توان در جوامع آماری مختلف این تحقیقات و زمان اجرای پژوهش مشاهده کرد. در پژوهش رفیعی بهابادی و حاجیانی میزان رضایت از زندگی شهروندان ایرانی سنجیده شد که به طور قابل توجهی کمتر از میانگین در سال (۱۳۸۴) بود.

بیان شد که میزان بی تفاوتی اجتماعی در سطح جامعه آماری بالاتر از حد متوسط است. این یافته ها با یافته های نقدی و رویین تن (۱۴۰۲) و قلانی و همکاران (۱۴۰۲) همخوانی دارد. اما پژوهش حاضر با یافته های بهشتی و همکاران (۱۴۰۲) همخوانی ندارد؛ علت این امر را می توان در تفاوت جامعه آماری این دو پژوهش دانست، به این

صورت که جامعه آماری پژوهش مذکور دانشجویان بوده و طبیعی است که به دلیل شرایط اجتماعی و محیطی موجود در جامعه، نسبت به شرایط اجتماعی کمتر بی تفاوت باشند.

بر اساس رابطه بین برخی متغیرهای زمینه ای با رضایت از زندگی بر بی تفاوتی اجتماعی، این نتایج به دست آمد که؛ سن تأثیر مداخله ای بر رضایت از زندگی بر بی تفاوتی اجتماعی دارد، اما شدت این رابطه با توجه به جنسیت افراد تغییر نمی کند. بین قومیت و متغیرهای مذکور با اطمینان ۹۵ درصد رابطه ضعیفی وجود دارد. همچنین مجذور ضریب eta نشان می دهد که قومیت به تنهایی می تواند ۲٫۸ درصد از واریانس احساس رضایت از زندگی و ۳٫۴ درصد از واریانس متغیر بی تفاوتی اجتماعی را تبیین کند.

در مجموع با توجه به آزمون فرضیه اصلی تحقیق، نتیجه این بود که میانگین رضایت از زندگی در سطح جامعه آماری متوسط، اما میزان بی تفاوتی اجتماعی بالاتر از میانگین طیف است. رضایت از زندگی اثر استاندارد شده ای برابر با ۰/۳۱۳- دارد و رضایت از زندگی می تواند ۹/۷ درصد از واریانس بی تفاوتی اجتماعی را تبیین کند. یعنی با یک واحد تغییر در انحراف معیار رضایت از زندگی، ۰/۳۱۱- تغییر در انحراف معیار بی تفاوتی اجتماعی ایجاد می شود. جهت اثر منفی این ضریب نشان می دهد که با افزایش میزان احساس رضایت از زندگی، احساس بی تفاوتی اجتماعی کاهش می یابد. بنابراین بی تفاوتی اجتماعی به عنوان پدیده ای که می تواند به تبع خود بسیاری مسایل و آسیب های اجتماعی ایجاد کند تحت تأثیر رضایت از زندگی است و با زمینه سازی شرایط برای بالا بردن سطح رضایت از زندگی می توان تا چیزی کمتر از ۱۰ درصد میزان بی تفاوتی اعضای جامعه را به سطح پایین تری رساند.

سخن آخر این است که با توجه به نتایج به دست آمده: برنامه ریزان و مسئولان جامعه لازم است برای بهبود اوضاع مردم، برنامه ریزی مشخصی برای ارتقای رضایت از زندگی در بین مردم جامعه داشته باشند، زیرا پایین بودن میزان رضایت از زندگی در بین مردم به ویژه در بین مردم اهواز و به تبع آن کل کشور می تواند خطر بالقوه ای برای جامعه و نظام اجتماعی به همراه داشته باشد. بنابراین با ایجاد نوعی احساس شادی، رضایت و خشنودی، ارتقای سلامت فردی، افزایش امنیت در جامعه و به طور کلی ارتقای رضایت از زندگی و کاهش بی تفاوتی اجتماعی بین مردم کمک کنند.

منابع:

- استونز، راب، (۱۳۹۳) متفکران بزرگ جامعه شناسی، مترجم مهدی میردامادی، چاپ نهم، تهران: نشر مرکز.
- اینگلهارت، رونالد (۱۹۹۸) تحول فرهنگی در جامعه ی پیشرفته صنعتی، ترجمه ی مریم وتر، تهران: نشر کویر.
- بیانی، اصغر؛ کوچکی، محمد و گودرزی، عاشور (۱۳۸۶) اعتبار و روایی مقیاس رضایت از زندگی. فصلنامه روانشناسان ایرانی، ۱۱، ۲۶۵-۲۵۹.
- بهشتی، سیدصمد، حیدری، آرمان، احمدی فالجی، معصومه (۱۴۰۳). تبیین جامعه شناختی تأثیر احساس نابرابری اجتماعی بر بی تفاوتی اجتماعی (مورد مطالعه: شهروندان شهر اهواز). علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد.
- برک پور، ناصر؛ گوهری پور، حامد؛ کریمی، مهدی (۱۳۸۹)، ارزیابی عملکرد شهرداری بر پایه سنجش میزان رضایت مردم از خدمات شهری، (نمونه موردی مناطق ۱ و ۱۱ شهر تهران)، تابستان.

- بهشتی، سیدصمد، نراقی، مسلم، عسگری، ابوالقاسم، پیشرو، نظر & پورصدیقی، شجاعت. (۱۴۰۲). تبیین جامعه‌شناختی تأثیر فضای مجازی بر بی‌تفاوتی اجتماعی. علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد doi: -, (), 10.22067/social.2023.82289.1346

- ترنر، جاناتان اچ (۱۳۹۴) نظریه‌های نوین جامعه‌شناسی، مترجم علی اصغر مقدس و مریم سروش، چاپ اول، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

- خوارزمی، شهیندخت، (۱۳۸۶) مهارت‌های زندگی: «کیفیت زندگی و شاخص خوشبختی»، همشهری آنلاین: [Http://www.hamshahri online.ir/categories](http://www.hamshahri online.ir/categories).
- دینر، اد و سو یونکو (۱۳۸۹). فرهنگ و بهزیستی درونی، مترجمان فیرزه غضنفری و ژانت هاشمی آذر، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

- رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۷) آنومی با آشفتگی اجتماعی (پژوهشی در زمینه پتانسیل آنومی در شهر اهران)، اهران، سروش.

- ریتزر، جرج. (۱۳۸۹) نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، مترجم محسن ثلاثی، چاپ شانزدهم، تهران: انتشارات علمی.

- ربانی، رسول، بهشتی، سید صمد (۱۳۹۰) "بررسی اجرایی رابطه دینداری و رضایت از زندگی" مجله ی علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال هشتم، ش ۱.

- ربانی، رسول، کلاتری، صمد و هاشمیان‌فر، علی. (۱۳۸۹). بررسی ارتباط بین عوامل اجتماعی با نابرابری‌های اجتماعی. فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱۱(۴۱)، ۲۶۷-۳۰۶.
- رنگین کمان، امیر (۱۳۸۶). رضایت از زندگی فصلنامه راهبرد، شماره چهل و پنجم ۱۸۹-۲۰۸.

- رفیع پور، فرامرز، (۱۳۷۷) توسعه و تضاد، تهران، شرکت سهامی انتشار.

- رفیعی بهابادی و مهدی، حاجیان (۱۳۹۱). بررسی رضایت از زندگی و عوامل مؤثر بر آن (با استفاده از نتایج پیمایش ملی)، جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، سال دوم، شماره ۵ (۱۳۹۱) ۵۳-۷۸

- زیمل، گئورگ. (۱۳۵۸) کلانشهر و حیات ذهنی»، ترجمه گیتی اعتماد، چاپ اول، برگرفته از کتاب گزیده مقالاتی از کتاب مفهوم شهر، شماره ۱، تهران: نشر ایران.

- سیدین، ندا، ادهمی، عبدالرضا و خادمیان، طلیعه. (۱۴۰۱). تحلیل جامعه‌شناختی تأثیر بی‌هنجاری بر بی‌تفاوتی اجتماعی. پژوهش‌های جامعه‌شناسی، ۱۶(۳)، ۵۵-۸۰.

- صداقتی‌فرد، مجتبی. (۱۳۹۲). بی‌تفاوتی اجتماعی (معناکاوی، بنیان نظری، سبب‌شناسی)، اصفهان: نشر بهتا پژوهش.

- علی بابایی، یحیی و بهمن باینگانی (۱۳۹۰). بررسی تأثیر اشکال سرمایه بر رضایت از زندگی (مطالعه جوانان شهرستان پاره)، فصلنامه پژوهش اجتماعی، شماره دوازدهم، ۱۷-۳۶.

- عنبری، موسی و غلامیان، سارا. (۱۳۹۵) تبیین جامعه شناختی عوامل مرتبط با بیتفاوتی اجتماعی»، بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره هفتم. شماره ۲۰: ۱۳۳-۱۵۹

- قاضی زاده، هورامان و کیانپور، مسعود. (۱۳۹۴) بررسی میزان بی تفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان (مورد مطالعه: دانشگاه اصفهان) فصلنامه پژوهشهای راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال چهارم، شماره پیاپی ۹، شماره اول: ۷۸-۵۹.

- قالانی، نسرین، براتی، زهرا و سعیدی، مصطفی. (۱۴۰۲). بررسی میزان مشارکت شهری در محلات شهری با تأکید بر بی تفاوتی اجتماعی (مطالعه موردی: شهرستان میمه). فصلنامه پژوهشهای فضا و مکان در شهر، ۲(۲۷)، ۷۵-۹۶.

- گولدنر، آلون، بحران جامعه شناسی غرب، ترجمه فریده ممتاز. ۱۳۸۳. ص: ۲۶۴.

- محسنی تبریزی، علیرضا؛ صداقتی فرد، مجتبی (۱۳۹۰) پژوهشی درباره بیتفاوتی اجتماعی در ایران (مورد پژوهش: شهروندان تهرانی)، جامعه شناسی کاربردی، سال بیست و دوم، شماره پیاپی ۴۳، شماره سوم، صص ۱-۲۲.

- مسعود نیا، ابراهیم (۱۳۸۰) مقاله تبیین جامعه شناختی بی تفاوتی شهروندان در حیات اجتماعی سیاسی، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، مرداد و شهریور ۱۳۸۰

- نوابخش، مهرداد و میرزاپوری ولوکلا، جابر (۱۳۹۴) تحلیل جامعه شناختی تأثیر بی هنجاری بر بی تفاوتی اجتماعی (مورد مطالعه: شهر بابل). مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، شماره ۳: ۶۷-۵۳.

- نقدی، اسداله و رویین تن، محبوبه. (۱۴۰۲). بی تفاوتی اجتماعی؛ چرایی و چگونگی و پیامدها (مورد مطالعه: شهر همدان). مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۱۲(۱)، ۸۷-۱۰۴.

- هزار جریبی، جعفر و رضا صفری شالی (۱۳۸۸). رضایت از زندگی و جایگاه احساس امنیت در آن، فصلنامه پژوهش انتظام اجتماعی، شماره سوم، ۲۲.

-Chong.T. T.J. (2020). Definition: Apathy. *Cortex*.Volume 128: 326-327

-Finifter, A.W. (1970), Dimentions Of Political Alienation, *The American Science Review*, Vol. 64, Pp: 389-410.

-Gulaçti, F. (2010). The Effect of Perceived Social Support on Subjective Well-being, *Procedia Social and Behavioral Sciences*,2, 3844-3849.

- Muler, Edward N(1995). Economic Determinants of Democracy, *American Sociological Review*, vol 60.

- Quevedo, R.J.M., & Abella, M.C. (2011). Well-being and Personality: Facet- level Analyses, *Personality and Individual Differences*,50, 206-211.

-Kapteyn, Arie & Smith P. James & Arthur van Soest(2009), *Life Satisfaction*. Discussion Paper No. 4015.

Happiness and Life Satisfaction(2024), available at : <https://ourworldindata.org>

Happiness and Life Satisfaction(2024), available at : <https://worldpopulationreview.com>

John F. Helliwell, Richard Layard, Jeffrey D. Sachs, Jan-Emmanuel De Neve, Lara B. Aknin, and Shun Wang (2024), world Happiness report, available at : <https://happiness-report.s3.amazonaws.com/2024/WHR+24.pdf>

-Saris, W.E. Bunting, B. Scherpenzeel, A.C. Veenhoven, R. (1996), A Comparative Study of Satisfaction With Life in Europe, Eötvös University Press, Budapest, Hungary.

-Seeman, M. (1959), on the meaning of alienation, American sociological review, vol.24.

-Swami, Viren & Chamorro-Premuzic, Tomas, (2008), Psychometric Evaluation of the Malay Satisfaction With Life Scale, Springer Science + Business Media B. V. pp 25 - 33.

-Viaznikova, L. F. Olga, M. O. Svetlana, V. Saltseva, M. S. F. Olga, N. B. Anna, S. Streltsova, I. V. Sivova, T. I. (2019). Reasons of Student Social Apathy. Humanities & Social Sciences Reviews. eISSN: 2395-6518. Vol 7. No 4: pp 1248-1254